

## چه کسی می‌تواند بهترین الگو برای زندگی ما باشد؟

Mentazer Mentazer

### ما چه نیازی به الگو داریم و چگونه بهترین الگو را برای زندگی انتخاب کنیم؟

هیچ وقت برایتان پیش آمده که برای داشتن الگویی در زندگی احساس نیاز کنید؟ به نظرتان اگر در حرفه‌ای که به آن مشغولید یا کار مورد علاقه‌تان الگوی خوبی داشته باشید، چه تأثیری بر روند زندگی‌تان خواهد داشت؟ اگر همین حالا بخواهید دست به انتخاب بزنید چه شخص یا اشخاصی را سرمشق خود قرار می‌دهید؟ به نظر شما آیا می‌توان کسی را به عنوان الگویی برای تمام جنبه‌های زندگی خود برگزید؟ چنین فردی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ از نظر شما بهترین الگو چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

همه ما در مقاطع مختلف زندگی نیاز به الگو برداری از دیگران را احساس می‌کنیم. به خصوص مواقعی که آرزوهای بزرگی داریم، که به زعم خودمان دست‌یافتنی نیستند؛ یا موانعی سر راهمان قرار می‌گیرند، که حس می‌کنیم، نمی‌شود از آن‌ها عبور کرد. در چنین مواقعی ذهن‌مان به طور ناخودآگاه دنبال بهترین الگوهایی می‌گردد، که آرزوهای ما را تحقق بخشیده باشند و یا از موانعی مشابه موانع زندگی ما عبور کرده باشند. آن وقت خیال‌مان از این بابت راحت می‌شود که، اگر دیگران توانسته‌اند چنین رویاهایی را محقق کنند، یا چنین موانعی را پشت‌سر بگذارند، پس حتماً ما هم می‌توانیم. البته این‌گونه الگو برداری‌ها معمولاً موقتی و محدود به یک مورد خاص‌اند و نمی‌شود آن‌ها را به کل زندگی تعمیم داد. مثلاً ما از مربی ورزش یا معلم نقاشی‌مان فقط در همان حیطة خاص هنری یا ورزشی الگو برداری می‌کنیم و هیچ‌گاه او را بهترین الگو برای طی کردن تمام مراحل زندگی نمی‌دانیم.

همه انسان‌ها به‌واسطه برخورداری از روحیه کمال‌خواهی به انسان کامل و کسی که مجسمه‌ای از ویژگی‌های نیکوی معنوی و اخلاقی باشد، گرایش دارند و اگر نتوانند او را در جهان بیرون ببینند، در ذهن‌شان خلقش می‌کنند. این تمایل در همان سال‌های اولیه زندگی خودش را بروز می‌دهد و کودک را به الگو برداری از والدین که نخستین قهرمانان زندگی‌اش محسوب

می‌شوند، وادار می‌کند. در جهان کوچک کودکان والدین بهترین الگو و کامل‌ترین انسان‌های روی زمین به نظر می‌آیند، که قدرت‌مند و پر زورند، از هیچ چیز نمی‌ترسند و هرگز اشتباه نمی‌کنند. اما این الگوبرداری هم موقتی است. به مرور که کودک قد می‌کشد و به نوجوانی می‌رسد، جهان او هم بزرگ‌تر می‌شود و الگوبرداری از والدین دیگر راضی‌اش نمی‌کند. نوجوان آرمان‌گراست و دلش می‌خواهد شخصیتی مهم و متفاوت داشته باشد. در نتیجه الگوهایی را برمی‌گزیند، که دست‌نیافتنی بوده و شبیه عموم جامعه نباشند، تا بتواند آن‌ها را در ذهنش آن‌طور که دوست دارد تصور کند. ستاره‌های سینما، خوانندگان معروف، قهرمانان ورزشی، دانش‌مندان و یا صاحبان ثروت‌های نجومی بهترین الگو مطابق با معیارهای نوجوانی هستند که هنوز هویت واقعی خود را کشف نکرده است، اما این الگوبرداری از این افراد هم محدود و موقتی است! با ورود ستارگان جدید به عرصه هنر و ورزش و یا روشن شدن ابعاد پنهانی زندگی خصوصی این افراد، که نقص‌های آن‌ها را برملا می‌کند، این الگوها هم هیمنه و شکوه‌شان را در ذهن نوجوان از دست می‌دهند و او را از انتخابش ناامید و سرخورده می‌کنند.

روند انتخاب بهترین الگو گاه تا سال‌های متمادی ادامه می‌یابد و در خلال همین افت و خیزها بیشتر افراد در نهایت به این نتیجه می‌رسند، که انسان کاملی که بتوانند از همه ابعاد شخصیتی‌اش الگوبرداری کنند و با زحمت و دردسر کمتری مسیر رشد و تکامل را طی کنند، وجود ندارد. پس بهتر است از تلاش بی‌پهوده برای یافتن الگو دست بردارند و زندگی‌شان را با آزمون و خطا جلو ببرند. اما این طرز تفکر چه قدر درست است؟ آیا این که ما نمی‌توانیم بهترین الگو را برای زندگی خود پیدا کنیم به این معنا است که چنین افرادی وجود ندارند؟

اغلب این گونه است که نگاه ما برای یافتن بهترین الگو بر همان بخشی از وجودمان متمرکز می‌شود، که خودمان را با آن معنا می‌کنیم. برای مثال ما به دنبال کسی هستیم که چگونه پولدر شدن را از او بیاموزیم، اما اکثر افراد ثروتمند در زندگی عاطفی خود شکست خورده‌اند، یا به دنبال کسی هستیم که روش کسب علم و دانشمند شدن را از او بیاموزیم، اما با دانشمندانی مواجهیم که در کسب درآمد ناتوانند، همین یک بعدی بودن و نقص افراد موفق در زمینه‌های گوناگون ما را هم به این نتیجه می‌رساند که یافتن الگویی که بتوانیم با کمک او تمام ابعاد وجودی‌مان را با هم و در کنار هم رشد داده، به بلوغ رسانده و به موفقیت برسانیم ممکن نیست.

به عبارت دیگر ما انسان‌ها وجودی چند بعدی داشته و برای به دست آوردن شادی و آرامش پایدار نیازمند، موفقیت در تمام این بخش‌ها هستیم، در غیر این صورت موفقیت در یک بخش نمی‌تواند احساس شادی و آرامش را به ما هدیه کند؛ در نتیجه بهترین الگویی که به دنبال پیدا کردنش هستیم هم باید فردی باشد، که در تمام شئون نفس ما به موفقیت رسیده باشد و البته که چون مسیر درست را در یافتن این افراد نمی‌شناسیم، یافتن بهترین الگو هم برایمان غیر ممکن شده است.

پیش از این گفتیم که تنها در صورتی به تعادل و آرامش خواهیم رسید که فرمانروی واقعی وجودمان را به درستی انتخاب کرده باشیم و به عنوان یک انسان، بعد انسانی وجودمان را به عنوان فرمانروای نفس خود برگزیده باشیم، در این صورت باید به دنبال الگویی باشیم که در بخش فوق عقلانی وجودمان یاریگر و راهنمای ما باشد تا در سایه فرمانروایی بخش انسانی وجودمان سایر ابعاد وجودی مان هم به درستی رشد کرده و بالغ شوند، اما این که ما نمی‌توانیم بهترین الگو را برای رشد بعد انسانی مان تشخیص دهیم، به این معناست که واقعاً چنین افرادی وجود ندارند؟ آیا می‌شود خداوندی که کل جهان آفرینش را فقط و فقط به افتخار انسان خلق کرده، فکر نیاز او به الگوی کامل و بی‌نقص را نکرده باشد؟!

### آیا الگوی کامل و بی‌نقص وجود دارد؟

خداوند هرگز از ما نخواسته، که زندگی مان را با آزمون و خطا جلو ببریم. چون با ارتکاب هر خطایی روند حرکت ما به سوی او کند می‌شود و یا چندین مرحله عقب می‌افتد و خدا هرگز چنین چیزی را نمی‌پسندد. او دوست دارد که ما در مسیر تحقق هدف خلقت خود، که همان شبیه شدن به خدا و کسب صفات اوست، با شتاب حرکت کنیم و از یک‌دیگر سبقت بگیریم. اما این را هم می‌داند که ما برای شبیه شدن به او، اول باید او را تمام و کمال بشناسیم و با صفاتش آشنا شویم. پس او باید کامل‌ترین و بی‌نقص‌ترین جلوه خودش را در مخلوقی که از جنس خودمان است، به نمایش بگذارد و الگوهایی را بیافریند که در عین انسان بودن، تجلی کامل اسماء و صفات الهی باشند. این الگوها همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفتیم، همان معصومین

(علیه‌السلام) اند، پس **انسان کامل** و شخصیتی که آراسته به تمامی صفات نیکو و کمالات اخلاقی و انسانی باشد، مصداق خارجی دارد و ما مجبور نیستیم در جستجوی چنین الگویی خودمان را به زحمت بیندازیم؛ او را در ذهن‌مان تصور کنیم یا لابه‌لای داستان‌ها و فیلم‌ها دنبالش بگردیم. تنها کاری که ما باید انجام دهیم، باور خود به عنوان یک انسان و سپس حرکت به سمت شبیه شدن به این الگوهای انسان شدن است.

گفتیم که حرکت ما از عالم دنیا به سمت ملکوت حرکتی مادی و جسمانی نیست، بلکه **صیوروت** یا «شدن» است. همان‌طور که جنین داخل رحم در حرکت به سمت دنیا دائماً تغییر چهره می‌دهد و هر لحظه صورت تازه‌ای می‌پذیرد تا در نهایت کامل شده و متولد شود، نفس ما نیز در عالم دنیا دائماً در حال شدن است و با انجام هر عمل خوب یا بدی چهره‌ای تازه می‌پذیرد، تا بالآخره چهره نهایی‌اش شکل بگیرد و با همان چهره به عالم ملکوت متولد شود. طبیعتاً هرگونه صیوروت و حرکتی به‌درد این هدف نمی‌خورد. حرکتی مفید است، که نفس ما را برای یک زندگی سالم و بی‌دردسر آماده کند و این اتفاق نمی‌افتد، مگر در سایه اطاعت از متخصص معصوم به‌عنوان کامل‌ترین و بهترین الگو؛ زیرا تمام قواعد، فرمول‌ها و ریاضیات خلقت در دست متخصص معصوم است و اوست که تشخیص می‌دهد، در مواجهه با هر اتفاقی در زندگی چگونه باید عمل کنیم که با هدف نهایی‌مان هماهنگ باشد. اگر سبک زندگی ما با آن‌چه معصوم می‌گوید، تطابق نداشته باشد، ممکن است از لحاظ کمالات مادی و دنیوی رشد کنیم و مثلاً فیلسوف برجسته، دانشمند تراز، هنرمند موفق یا ثروتمند قابل‌شویم، اما قطعاً انسان شایسته‌ای نخواهیم شد و به «قلب سلیم» که بزرگ‌ترین دارایی ماست، نخواهیم رسید.

درباره این که قلب سلیم چیست و عدم کسب آن چه عواقب سنگینی در زندگی ما دارد، در درس‌های بعدی صحبت می‌کنیم.